

آشتی شهر و طبیعت

مسائل منظر در شهر فردا

گزارش : فرنوش پورصفوی

نوشته حاضر متن سخنرانی خانم دکتر «ناتالی بلان»^۱ در همایش «هنر، شهر، طبیعت» است که با اندکی تلخیص منتشر می‌شود. این همایش، هشتمین نشست از سری نشست‌های «پدیدارشناسی منظر شهری» است که در یازدهم شهریور ۱۳۹۵ توسط پژوهشکده نظر و با حمایت سازمان زیباسازی شهر تهران برگزار شد. ناتالی بلان، جغرافیدان و پژوهشگر، مدیر لابراتوار پژوهشی «لادیس»^۲، استاد دانشگاه پاریس دیدرو (پاریس ۷)^۳ و متخصص در موضوعات «طبیعت در شهر» و «زیبایی‌شناسی محیطی» است.

اگرچه سیاست‌های جدی زیست‌محیطی در پیش گرفته شده‌اند، اما این تأثیرات همچنان به کاهش کارآمدی این سیاست‌ها منجر می‌شوند. شهرسازی مسئله‌ای دیگر است که در واقع ویژگی اصلی دوره آنترپوسن نیز هست. در سال ۲۰۰۷، بیش از نیمی از جمعیت جهان شهرنشین بودند. در فرانسه ۲۲ درصد سرزمین به شهرها اختصاص دارد و در ایران حدود ۷۰ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند. در نتیجه، محیط‌های شهری در این دوره از اهمیت زیادی برخوردارند.

رشد شهرنشینی و نرخ این رشد در نقاط مختلف جهان بسیار متفاوت است. در آفریقا میزان شهرنشینی بسیار کمتر از سایر قاره‌هاست اما نرخ رشد آن بالاتر است. در اروپا و آمریکای شمالی سرعت این رشد تقریباً ثابت شده است.

رشد شهری شدن در سطح کره زمین پیامدهای زیست‌محیطی بسیار مهمی را به دنبال دارد. یکی از پیامدهای خاص آن «آلودگی نوری» است که تنها یک مسئله زیباشناسانه نبوده؛ بلکه بر حیات گونه‌های مختلف جانوران تأثیرگذار است و نقش مهمی در

یک دوره زمین‌شناختی جدید این سخنرانی در زمانی از تاریخ بشر ارائه می‌شود که ویژگی خاص خود را دارد. امروزه بحث‌هایی در مقیاس بین‌المللی حول اصطلاح «آنترپوسن»^۴ صورت می‌گیرد. این اصطلاح، به یک دوره زمین‌شناسی اشاره دارد که با توسعه شهرها پس از قرن هجدهم و به‌طور دقیق‌تر پس از اختراع ماشین بخار در ۱۷۵۰ م. شروع شد. در این دوره، نوع بشر در مقیاس اکولوژیک زمین را تحت تأثیر فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. آنچه اهمیت دارد این است که این تأثیرات دیگر تأثیراتی سبک بر روی محیط‌زیست در مقیاس‌های کوچک و محلی نیستند، بلکه تأثیراتی‌اند که محیط‌زیست را متحول کرده و حتی خصوصیات زمین‌شناختی آن را تغییر می‌دهند.

یکی از دلایل اصلی تأثیر انسان بر زمین، از میان رفتن جنگل‌ها و عبور از جنگل‌ها، به‌عنوان منابع طبیعی غیرقابل استفاده، به زمین‌های کشت و کار کشاورزی است. این تأثیر در کشورهای در حال توسعه بسیار شدید است اما در اروپا و دیگر کشورهای غربی هم وجود دارد. در کشورهای توسعه‌یافته،

گفتمان اکولوژیک آغاز می‌شود که تصویر شهر را به کلی تغییر می‌دهد. این تعریف اولیه از «اکولوژی شهری»، که سرانجام پس از چندین دهه ریشه دواندن، به نو شدن دیسپلین‌های شهرسازی و منظر منجر شده است، بیش از هر چیز بر «تعادل‌های جهانی»^۶ متمرکز است، مانند تعادل در آب‌وهوا و اقلیم که مثلاً شامل جنگل‌ها نیز می‌شود؛ اما به تعادل در مقیاس‌های محلی توجهی ندارد. رویکرد اکولوژیک به شهر به تدریج در اروپا ریشه پیدا کرد و از دهه ۱۹۹۰ م. در متون و پژوهش‌ها و همچنین در تجارب حرفه‌ای شهرداری‌ها بازتاب داشت.

اما امروز هم که این اولین تحولات در سیاست‌های شهری در دهه ۸۰ م. سرانجام، همگام با توسعه پایدار، سعی در ارائه خوانشی کلی‌نگرتر از شهر و فهمی چندبعدی از خدمات شهری شهرسازی‌ها دارند، ما همچنان در فرانسه و در سایر کشورهای جهان، در همان نقطه هستیم. به این معنی که در عمل، برای ایجاد ارتباط بین ابعاد مختلف سیاست‌ها و خدمات شهری که همگی به نوعی با مسئله محیط‌زیست شهری و منظر شهری مرتبط‌اند، با مشکل مواجهیم. ما هنوز به مسائل اقلیم، طبیعت، شهرسازی و غیره به صورت جداگانه می‌پردازیم؛ به جای آن که فهمی جهانی و پیچیده‌تر از مشکلات محیط‌زیست و منظر شهری داشته باشیم.

یکی از دلایل این مشکلات، عدم توجه به مسائل فرهنگی است که فراتر از مسائل فنی اهمیت دارد. ما با پدیده طبیعت در شهر همچنان به عنوان یک مفهوم مهندسی برخورد می‌کنیم و فراموش می‌کنیم که مسئله طبیعت در شهر پیش از هر چیز به رابطه بین انسان و محیط زندگی او مربوط است.

ارتباط شهر و محیط‌زیست را می‌توان به دو صورت تعریف کرد: می‌توان شهر را پدیده‌ای در نظر گرفت که یک محیط‌زیست یا محل زندگی برای ساکنانش شکل می‌دهد؛ یا آن را عنصری دانست از کل محیط‌زیست که شهر در آن شکل گرفته است. در این حالت محیط‌زیست شامل خود شهر، محیط آن در مقیاس‌های منطقه‌ای و ملی و حتی بین‌المللی خواهد بود.

تولیدمثل و جمعیت آن‌ها دارد. این پدیده در نهایت بر آنچه ما «تنوع زیستی» می‌نامیم و به معنی «تنوع موجودات زنده» است تأثیرگذار خواهد بود.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، و به‌طور خاص بر شهر تهران نیز اثرگذار است، ارتباط بین تراکم شهری و مصرف انرژی، یا به بیان دیگر مسئله حمل‌ونقل است. هر چه یک شهر متراکم‌تر باشد، مصرف انرژی در آن کمتر خواهد بود (تصویر ۱). شهرهای آمریکایی پرمصرف‌ترین شهرها در دنیا هستند، زیرا مدل شهرسازی آن‌ها از کمترین تراکم برخوردار است.

در مواجهه با این مشکلات شهری، مسئله آشتی شهر و طبیعت و تحول منظر شهری، برای برقراری تعادل در اکوسیستم‌ها و ارتقای کیفیت زندگی در شهر، همچنین ارتقای سلامت و سلامت زیست‌محیطی ضروری است. توسعه شهری باید حفاظت از طبیعت را، که برای رفاه و سلامت شهروندان ضروری است، در نظر گرفته و با آن سازگار شود. اما چگونه باید این تحولات را عملی کرد؟

محیط‌زیست شهری

در ابتدای قرن هجدهم، شهر به مثابه نقطه مقابل طبیعت درک می‌شد. در متون آن زمان، مانند آثار ویکتور هوگو یا دیگر نویسندگان مشهور فرانسوی، طبیعت پدیده‌ای خطرناک، منشأ رکود و فساد و رشد بیماری‌ها توصیف شده است. در نتیجه تمام توسعه‌های شهری در دو قرن اخیر بر اساس تضاد با طبیعت، محدود کردن آن و سرانجام بیرون راندن آن از شهرها شکل گرفته است.

اولین توسعه‌های شهری در قرن نوزدهم، با علوم پزشکی و مهندسی ارتباط زیادی داشتند. توزیع و گردش آب و جریان هوا در شهر برای جلوگیری از راکد ماندن این عناصر طبیعی اهمیت داشت. اگر به علوم پزشکی در قرن نوزدهم که به توسعه شهری کمک شایانی کرده است توجه کنیم درمی‌یابیم که ایده بیماری ناشی از رکود و فساد^۵ در پی‌ریزی شهرهای اولیه این زمان اهمیت زیادی داشته است. با این حال پس از دهه ۱۹۶۰ م. در آمریکا و اروپا یک

تحقق اهداف زیباشناسانه شهری با دو چالش اصلی مواجه است: یکی رویکرد صرفاً زیباشناسانه در ایجاد چارچوب زندگی جدید بر اساس تصاویر (ایجاد مناظر چشمگیر و مانند آن)؛ و دیگری زیباشناسی صرف، به این معنی که در شکل‌گیری شهرها، تجارب حسی و ایده «محیط دلپذیر» حاکم باشد. در این حالت هر آنچه که به تعهدات زیباشناسانه در ایجاد محیط مربوط باشد احساس و تجربه می‌شود. در این زیبایی‌شناسی روایت‌ها و تجارب گذشته پیشگام هستند.

طبیعت در شهر

برای مطالعه رابطه شهروندان با محیط‌زیستشان ما به مطالعه ارتباط بین آن‌ها و فضاهای سبز و سایر موجودات زنده (جانوران) در فضاهای شهری می‌پردازیم. در ابتدای دهه ۱۹۹۰، زمانی که من این مطالعه را آغاز کردم، این تصور که طبیعت در شهر وجود داشته باشد برای همه عجیب بود. در آن زمان همه فکر می‌کردند که طبیعت تنها در خارج از شهرها وجود دارد. در نتیجه کار من با نشان دادن این مهم آغاز شد که در شهرها نیز گونه‌های زیستی کاملاً منحصر به فردی یافت می‌شوند که در شکل دادن به منظر شهری و همچنین ریز-منظرهای شهری^۷ حائز اهمیت برای شهروندان نقش ایفا می‌کنند و بر کیفیت زندگی آنان تأثیر گذارند.

این گونه‌های زیستی در فضاهای سبز یافت می‌شوند که در شکل‌های متنوع و در قالب مناظر مختلفی در شهر وجود دارند و از تنوع زیستی بالایی هم برخوردارند. این فضاها شامل قطعات سبز کوچک و نادیده گرفته‌شده، حاشیه بزرگراه‌ها، باغ‌های قدیمی، ردیف درختان کنار خیابان و باغچه‌های کوچک پای درخت‌ها، پیاده‌روها، نماهای سبز، استخرهای تصفیه آب و مجموعه کل این فضاها هستند. مسئله اصلی در توجه به این فضاها، افزایش کمیت و تعداد آن‌ها نیست؛ بلکه در نظر گرفتن تمامی آن‌ها در انواع و مقیاس‌های مختلف است که هر یک به‌نوعی، ظرفیتی برای رشد تنوع زیستی در شهر ایجاد می‌کنند.

• محیط‌های شهری «طبیعی»، قلمروهای مجزا

این محیط‌های طبیعی شهری پیش از هر چیز قلمروهایی جدا از هم هستند. این مسئله در اکولوژی منظر از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا در یک قلمرو تکه‌تکه شده، گونه‌های زیستی به‌سادگی امکان تولیدمثل و بقا را ندارند. در نتیجه یکی از

اگرچه ادراک شهر به‌عنوان یک محیط‌زیست ساده به نظر می‌رسد، اما فهم آن به‌عنوان جزئی از کل محیط‌زیست سخت‌تر است؛ یعنی ادراک شهر به‌مثابه کلیتی که به محیط‌زیست در مقیاس‌های بزرگ‌تر وابسته است، به‌عنوان مثال از نقطه‌نظر مسائل پس‌مانده‌ای شهری، تغذیه و آب.

زیبایی‌شناسی محیطی

هدف زیبایی‌شناسی محیطی ارتقای بحث‌های مدیریت و برنامه‌ریزی محیطی در ابعاد ناشناخته آن (ارزش‌های زیباشناسانه و اخلاقی) است. زیبایی‌شناسی محیطی به منابع زیست‌محیطی به‌گونه‌ای جدید بها می‌دهد که با ارزش‌های وابسته به اقدامات عقلی و علمی متفاوت است. هدف آن همچنین ارتقای ظرفیت‌های مردم است که به امکاناتی که محیط زندگی‌شان به آن‌ها اعطا می‌کند وابسته خواهد بود.

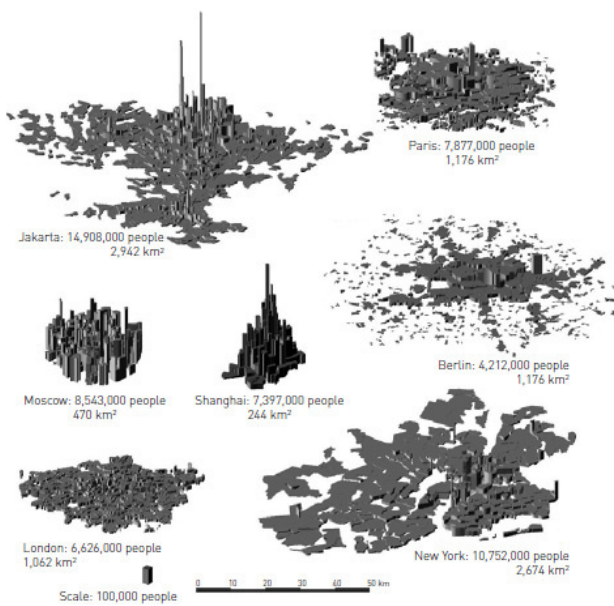
زیبایی‌شناسی محیطی بر اساس «به اشتراک گذاشتن حساسیت‌ها» شکل می‌گیرد و ما را دعوت می‌کند به تجدیدنظر در نحوه دسترسی، مشارکت، کنترل، و سهیم شدن در منابع زیست‌محیطی و همچنین بازتولید و حفاظت از آن‌ها که تنها یک مسئله عقلی نبوده و به یک «سلیقه» مشترک مربوط است.

زیبایی‌شناسی محیطی به تبیین موارد زیر کمک می‌کند:

- شیوه‌ای که از طریق ترجیحات زیباشناسانه در ایجاد آفرینش‌های زیست‌محیطی طبیعی و مصنوعی مداخله می‌کند؛
- ادراک بهتر از مسائل زیبایی‌شناسی معاصر درباره بافت محیط؛

- تعریف شیوه‌ای که سبب ایجاد یک «احساس جمعی» در شکل‌گیری یک زیبایی‌شناسی مشترک نسبت به محیط‌زیست می‌شود. این زیبایی‌شناسی، بازی‌های اجتماعی حول دانش، مسائل قدرت و به اشتراک گذاری اطلاعات را در برمی‌گیرد.

زیبایی‌شناسی محیطی اهداف سیاسی دارد، اما صرفاً به تغییر در شیوه‌های دستیابی به دموکراسی در عمل محدود نمی‌شود؛ بلکه به دنبال فراهم کردن امکان یک تفکر جمعی در مورد شرایط ایجاد نظامی سیاسی است که به برابری انسان‌ها (به‌عنوان شهروندان) انجامیده و حفاظت و بازتولید محیط‌زیست، بخشی از فعالیت سیاسی در آن است.



تصویر ۱: توزیع تراکم مسکونی در چند شهر مختلف (هر چه یک شهر تراکم‌تر باشد، مصرف انرژی در آن کمتر خواهد بود. مأخذ: <https://sapiens.revues.org/docannexe/image/914/img-4.jpg>.)

طبیعی رشد کنند؛ و حفاظت از انواع گونه‌های وحشی که در این فضاها تکثیر می‌یابند. این باغ‌ها برای کودکان فضایی برای آموزش و شناخت طبیعت محلی و بومی هستند؛ زیرا هیچ گونه غیربومی در این فضاها وارد نشده و به کلی محصول طبیعت محلی هستند (تصویر ۲).

زمین‌های بایر شهری: یکی از سیاست‌ها در رابطه با مسئله افزایش تنوع زیستی در شهرها، بهادادن به زمین‌های بایر شهری است. زمین‌های بایر شهری فضاهایی هستند که در گذشته مورد استفاده قرار نگرفته اما برای ساخت‌وسازهای آینده در شهرها مورد نظر بوده‌اند. امروزه این زمین‌ها به خودی خود واجد ارزش‌اند و نه به خاطر اینکه در آینده می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. یک مثال در این مورد، کمربندی راه‌آهن پاریس است که به‌عنوان فضایی مختص طبیعت برای شهروندان بهسازی می‌شود. مسیر راه‌آهن به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده که به شهروندان اجازه می‌دهد به طبیعت موجود در فضاهایی دسترسی پیدا کنند که پیش‌ازاین در زمره زمین‌های بایر شهری بودند (تصویر ۳).

باغ‌های اشتراکی: یکی دیگر از سیاست‌های مهم در این زمینه، با عنوان «باغ‌های اشتراکی»^{۱۰} یا «باغ‌های

مسائلی که در دهه‌های اخیر در سیاست‌های شهری، زیست‌محیطی و منظر در کشورهای بزرگ غربی مورد توجه قرار گرفته، ایجاد «شبکه‌های منظرین» در مقیاس منطقه‌ای است. در فرانسه جنبشی در جهت ایجاد فضاهای سبز در مقیاس منطقه پاریس بزرگ و حتی «ایل-دو-فرانس»^{۱۱} شکل گرفته است تا این قلمروهای طبیعی جدا از هم را به یکدیگر متصل کند. «ریز محیط‌ها»^{۱۲}، محیط‌های بسیار کوچک طبیعی هستند که متخصصان منظر باید برای کشف راه‌هایی برای ایجاد اتصال بین آن‌ها در شهر تلاش کنند. توجه به ذخایر طبیعی موجود در این محیط‌ها، و هدایت ذخایر زیستی اولیه شهر برای پیشبرد این سیاست از اهمیت بالایی برخوردار است. به این معنی که باید دانست چه گونه‌های زیستی در شهر وجود دارند و چگونه زندگی می‌کنند. برخی از این گونه‌ها با کمک شهروندان وارد شهر شده‌اند؛ چراکه بسیاری از شهروندان، حیوانات اهلی را برای سرگرمی به فضای خانگی خود می‌آورند اما پس از مدتی آن‌ها را در فضای شهری رها می‌کنند. برخی گونه‌ها به‌صورت تصادفی، مثلاً از طریق مسافرانی که گرده‌های گیاهان را با پای خود جابه‌جا می‌کنند، وارد شهر می‌شوند. برخی دیگر از گونه‌ها در اثر تغییرات آب و هوایی از جنوب به سمت شمال حرکت می‌کنند؛ و همچنین گونه‌هایی وجود دارند که بیشتر در محیط‌های شهری یافت می‌شوند، زیرا محیط شهری یک محیط ویژه است. به‌عنوان مثال سوسک، که یک گونه استوایی بوده و وجود آن در انواعی از فضاهای شهری نیز عادی است، در واقع در قرن نوزدهم با ایجاد تأسیسات گرمایشی شهری وارد شهرها شد.

• فضاهای جدید در خدمت تنوع زیستی

باغ‌های اکولوژیک: ذخایر موجود، به شهرسازان و متخصصان منظر اجازه می‌دهند که فضاهای طبیعی ویژه‌ای را در قلب شهرها خلق کنند. از جمله «باغ‌های اکولوژیک» یا باغ‌های طبیعی که فضاهای سبزی هستند که مدیریت نمی‌شوند. به این معنی که رسیدگی به آن‌ها عبارت است از هیچ کاری انجام ندادن و رها کردن آن‌ها به حال خود تا به‌صورت



تصویر ۲: بخشی از پارک «آندره سیتروئن» به صورت طبیعی مدیریت می‌شود. امروزه در بسیاری از باغ‌های شهری بخشی را صرفاً به دینامیک‌های طبیعی اختصاص می‌دهند که هیچ دخالت انسانی در آن صورت نمی‌گیرد. مأخذ: آرشیو ناتالی بلان.

گرما و مصرف انرژی در شهر کمک می‌کند. در مطالعه رابطه شهروندان با محیط زندگی‌شان مهم است بدانیم که چه شهروندانی می‌توانند از این محیط بهره‌مند شوند؛ چه گروه‌هایی از شهروندان توانایی ایجاد تشکیلاتی برای رسیدگی به این فضاها را دارند؛ و سپس در یک مقیاس بزرگ‌تر، در مقیاس شهر، متخصصان منظر و شهرسازان مطالعه می‌کنند که چگونه این شبکه‌های شهروندان منظر شهری جدید را ترسیم خواهند کرد.

شبکه‌های سبز و آبی: از سال ۲۰۱۶ سیاست جدیدی در فرانسه پایه‌گذاری شده است که با عنوان «شبکه‌های سبز و آبی»^{۱۲} شناخته می‌شود. کانسپت شبکه‌های سبز، ایجاد پیوستگی‌های اکولوژیک/بیولوژیک و انسانی/اکاربردی است. این پیوستگی‌ها به نفع تنوع زیستی گیاهان و جانوران بوده و همچنین از طریق گسترش جابجایی نرم (پیاده راه‌ها و مسیرهای دوچرخه) به جمعیت‌های محلی سود می‌رساند.

جمعی»^{۱۱} شناخته می‌شود. این‌ها فضاهایی هستند که توسط شهرداری‌ها برای کشاورزی در اختیار شهروندان قرار می‌گیرند. قراردادی بین شهرداری و شهروندان وجود دارد که حقوق و همچنین وظایفی را برای شهروندان تعیین می‌کند. به این معنی که آن‌ها می‌توانند در این فضاها محصولات مختلف از گل‌های زینتی گرفته تا سبزیجات و محصولات کشاورزی پرورش دهند و در ازای آن باید به این فضاها رسیدگی کرده و همچنین آن‌ها را به روی عموم باز بگذارند. این سیاست موفقیت زیادی در فرانسه داشته است. امروز در پاریس نزدیک به پنج هکتار زمین به کشاورزی توسط شهروندان اختصاص دارد (تصویر ۴).

بام‌های سبز: از دیگر اشکال حضور طبیعت در شهر می‌توان به بام‌های سبز اشاره کرد که سیاست‌های مربوط به آن در حال گسترش است. امروز در پاریس چندین هکتار از مساحت بام‌ها به فضای سبز اختصاص پیدا کرده که به کاهش



تصویر ۳: کمربندی راه‌آهن پاریس. مأخذ: آرشیو ناتالی بلان.



تصویر ۴: باغ‌های اشتراکی در پاریس. از سال ۲۰۰۲ تعداد این باغ‌ها از ۵ به ۴۲۱ افزایش پیدا کرده که امروز ۴/۴ هکتار را در پاریس اصلی در بر می‌گیرد. مأخذ: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Premi%C3%A8res_plantations_dans_le_jardin_partag%C3%A9_du_Petit_Paris.JPG.

آثار «بحران شهرنشینی» است که در قالب اقدامات مدنی زیست‌محیطی صورت می‌گیرد. از جمله این جنبش‌ها پیش‌تر به «باغ‌های اشتراکی» اشاره شد. در اینجا به مثال‌های دیگری پرداخته می‌شود.

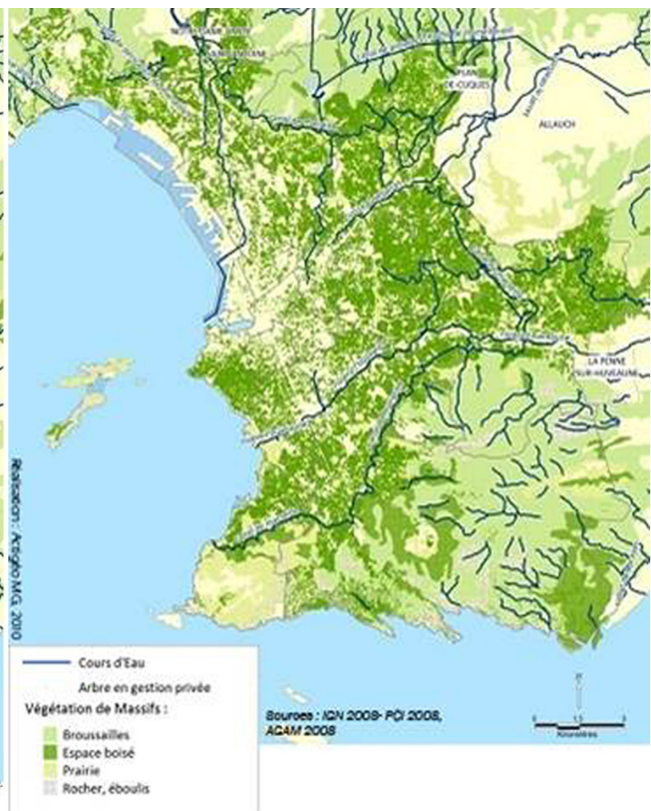
منشور گل‌کاری در پای درختان: یکی از سیاست‌های موجود در شهرهای مختلف امروز، توجه ویژه به درختکاری و حفظ

در اینجا دیگر تنها صحبت از فضاهای سبز و طبیعت در شهر نیست، بلکه زیرساخت‌های سبز نیز اهمیت دارد. احداث این شبکه‌های سبز، از آن جهت که با تداخل مقیاس‌های مختلف و مسائل وابسته در هر یک از این مقیاس‌ها سروکار دارد، از حساسیت زیادی برخوردار است.

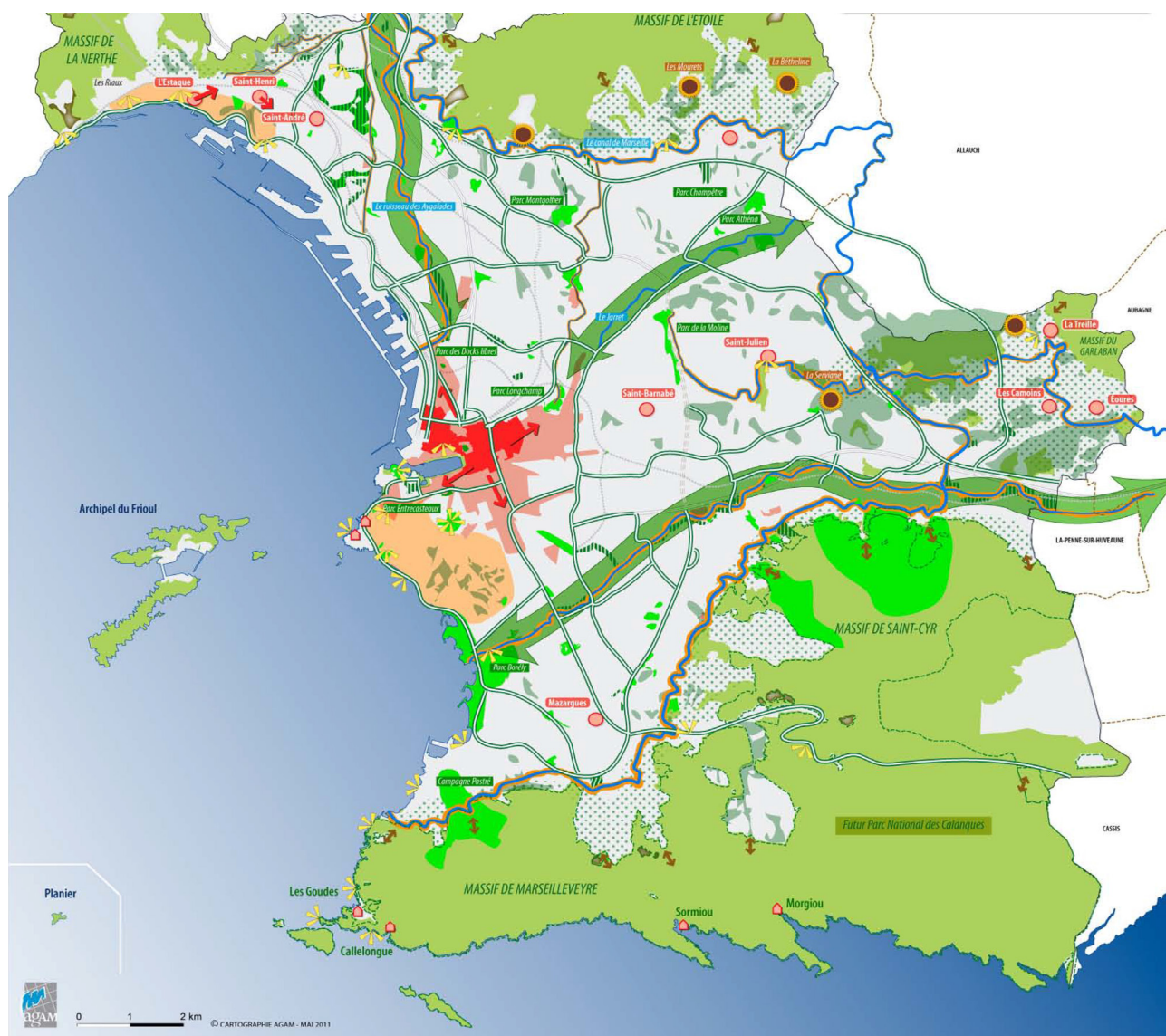
به‌طور کلی دو نوع طبیعت در شهر وجود دارد: طبیعت عمومی؛ که در فضاهایی یافت می‌شود که به شهرداری‌ها تعلق دارند، و طبیعت خصوصی؛ شامل باغ‌های کوچکی که برخلاف باغ‌های جمعی به اشخاص تعلق دارند. در ایجاد شبکه‌های سبز و آبی، فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی به یک‌میزان مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه اتخاذ سیاستی که امکان همکاری مالکان فضاهای سبز خصوصی را فراهم کرده و تعریف ارتباط آن با سیاست‌های اداره فضاهای سبز عمومی لازم است (تصاویر ۶ و ۵).

• جنبش‌های اجتماعی مرتبط با طبیعت

یکی از مسائل مربوط به حضور طبیعت در شهر، شکل‌گیری تحرک‌های اجتماعی حول مسائل زیست‌محیطی و کیفیت زندگی در شهرهاست. قلمرو، عنصری کلیدی در مبارزه با



تصویر ۵: در ماریسی میزان فضاهای سبز خصوصی (سمت راست) بسیار بیشتر از فضاهای سبز عمومی (سمت چپ) است. در ایجاد شبکه‌های سبز و آبی هر دو نوع این فضاها مورد توجه قرار می‌گیرند. مأخذ: <https://developpementdurable.revues.org/9268>



PROTÉGER ET VALORISER LE PATRIMOINE NATUREL

- Espace naturel à protéger et à préserver
- ↔ Accès aux massifs à organiser
- Projet de périmètre du futur parc national des Calanques

CONFORTER LA TRAME VERTE ET BLEUE AU CŒUR DE LA VILLE CONSTITUÉE

- Principes de plantations le long des boulevards urbains
- Principaux boisements à valoriser/préserver
- ↔ Principes d'aménagement de continuités paysagères (Parc linéaire et préservation du champ d'expansion des crues)
- Valorisation des potentiels de liaisons douces autour du canal, ses dérivations et des cours d'eau

PRÉSERVER LE PATRIMOINE URBAIN ET PAYSAGER

- Espaces de nature en ville existant/à créer
- Renforcer la protection du patrimoine en centre-ville
- Valoriser les tissus urbains remarquables
- Préserver le "génie des lieux" des quartiers construits en balcon sur la mer/la ville, tout en permettant leur modernisation
- ↘ Préserver les cônes de vues
- Préserver les noyaux villageois identitaires
- ▲ Protéger l'habitat cabanonnier emblématique

QUALIFIER LES FRANGES URBAINES POUR RENFORCER L'INTERFACE VILLE/NATURE

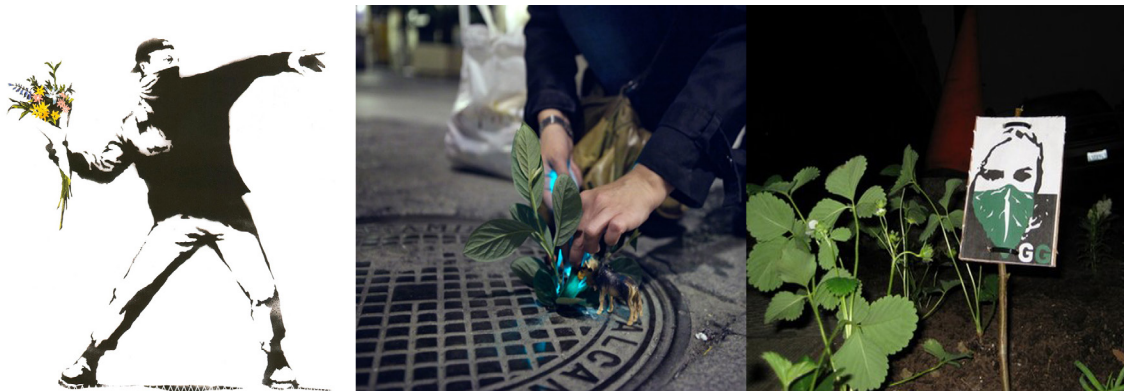
- Protéger les usages agricoles actuels/développer des projets agro-loisirs
- Favoriser la réhabilitation des carrières
- Limiter l'urbanisation des secteurs de frange en prenant en compte les risques, l'environnement et les paysages

Observation : Des Plans de Prévention des Risques, prescrits par l'État, sont en cours d'élaboration en 2011 (Technologiques, Inondations, Incendies / Feux de forêts et Gonflements / retraits des sols argileux)

تصویر ۶ : شبکه سبز مارسه، پیش‌بینی شده در «پروژه شهری» مارسه. مأخذ : http://www.marseille.fr/sitevdm/document?id=13784&id_attribution=48.

بی کیفیت هستند که مورد بی توجهی قرار گرفته و محل تجمع ته سیگار و زباله می‌شوند. سیاست بها دادن به این فضاها موجب حفظ بسیاری از گونه‌های زیستی در قلب شهرها می‌شود. **باغبانی پارتیزانی** : جنبش دیگری که امروزه در شهرها اهمیت پیدا کرده «باغبانی پارتیزانی»^{۱۳} نام دارد. فعالان این جنبش افرادی هستند که در محل‌های ممنوع اقدام به کاشت گیاهان می‌کنند. این روشی برای مبارزه با تسلط اتومبیل و نیز این

درختان کاشته شده است. هدف از این سیاست، ارتقای مسئولیت‌پذیری شهروندان در رسیدگی به این طبیعت شهری و حفاظت از آن است. در شهرداری پاریس و بسیاری از شهرهای دیگر دنیا برای گل‌کاری در پای درختان خیابان، منشوری تعریف شده است که به شهروندان اجازه می‌دهد به این باغچه‌های کوچک، که سهم بزرگی در تنوع زیستی شهری دارند، رسیدگی کنند. این فضاهای سبز کوچک، اغلب فضاهایی



تصویر ۷: باغبانی پارتیزانی؛ فعالان این جنبش معتقدند که با پاشیدن بذر گیاهان در فضاهای ممنوع برای کاشت، در جهان تغییر ایجاد می‌کنند. مأخذ: آرشیو ناتالی بلان.

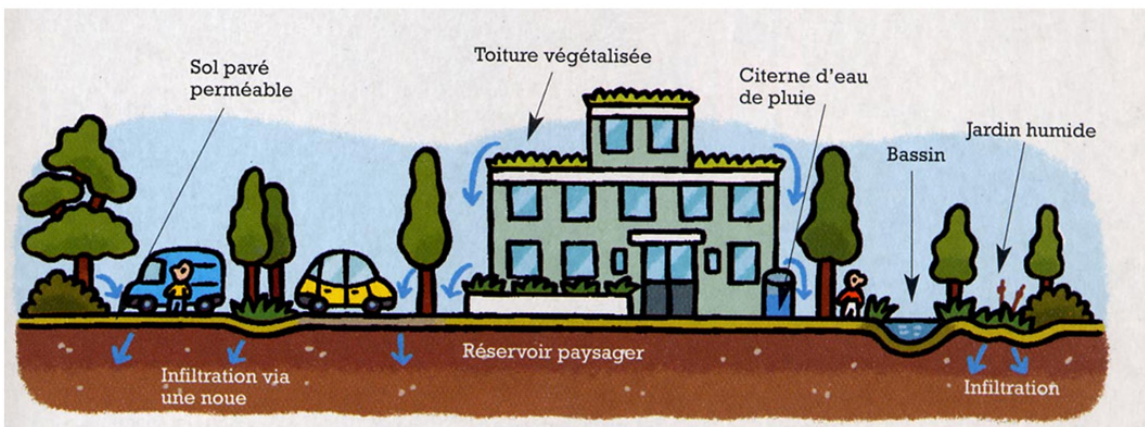
هوا، آلودگی و کیفیت خاک تأثیرگذار است. دخالت در این چرخه‌ها از طریق مدیریت شهری یکی از مسائل امروز است. مثلاً مطالعات نشان داده است که کاشت سه درخت به ازای هر ساختمان در خیابان در انرژی مصرفی برای گرمایش و تهویه در شهرها ۵ تا ۱۰ درصد صرفه‌جویی می‌کند. این‌گونه مطالعات پایه استدلال‌های منطقی برای تصمیم‌گیری‌ها در مدیریت شهری قرار می‌گیرند (تصویر ۸).

مثال‌های زیادی از این رویکرد در مدیریت بخش‌ها و محلات شهری وجود دارد. «محلات پایدار»^{۱۴} یا «محلات اکولوژیک»^{۱۵} در اروپا که در ابتدا با جنبش‌های مدنی شهروندان پایه‌گذاری شدند از آن جمله‌اند. محله «ووبان»^{۱۶} در فرایبورگ^{۱۷} آلمان یکی از این محلات است که با برنامه‌ریزی اکولوژیک شکل گرفته است. در سراسر محله، کفسازی‌ها

واقعیت است که بسیاری از فضاهای سبز قدیمی شهرها امروز به مراکز تجاری و یا فضاهای با مقاصد دیگر تبدیل می‌شوند (تصویر ۷).

راه‌حلهایی مبتنی بر طبیعت

یک رویکرد دیگر به مسئله طبیعت در شهر، که بیشتر از رویکردهای اجتماعی موردتوجه شهرداری‌ها قرار دارد، استفاده از طبیعت برای حل مشکلات موجود در شهرهاست. بر مبنای طبیعت می‌توان راه‌حلهایی برای مدیریت شهر پیدا کرد. می‌دانیم که تنوع زیستی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان مؤثر است؛ به این صورت که کرُن را در اکوسیستم ذخیره کرده و در چرخه‌های بزرگ بیوشیمیایی نقش مهمی ایفا می‌کند. چرخه کربن و نحوه ذخیره آن توسط درختان به‌نوبه خود بر اتمسفر، کیفیت



تصویر ۸: مدیریت آب؛ ادغام مدیریت آب در طراحی بافت شهری. در این شیوه، آب و فضای سبز به‌طور هم‌زمان و با ابزارهای مختلفی مثل بام‌های سبز، کفسازی‌های نفوذپذیر نسبت به آب، جایگزین کردن کانال‌های سنتی با حوضچه‌های جدید با قابلیت نفوذ تدریجی آب به داخل زمین و غیره مدیریت می‌شوند. مأخذ: آرشیو ناتالی بلان.



تصویر ۹: حوضچه سبز در محله ووبان. حوضچه‌های سبز اجازه نفوذ آب باران را به داخل خاک می‌دهند و سفره‌های زیرزمینی آب را تغذیه می‌کنند. مأخذ: <http://www.hqe.guidenr.fr/images/depollution-eaux-pluviales-noue-fosse.jpg>.

در پشت محله قرار دارد متصل می‌شود. در اینجا ما با یک زیبایی‌شناسی اکولوژیک جدید سر و کار داریم که منظر درک شده توسط شهروندان را با ابتکار خودشان متحول کرده است. این محله در پی جنبشی بسیار مهم در آلمان شکل گرفت که ساخت یک محله اکولوژیک را در سائیتی که برای احداث تأسیسات هسته‌ای در نظر گرفته شده بود ممکن کرد. می‌توان گفت که در اینجا فقط ترجیحات فنی مهم نبوده، بلکه حرکت به سوی یک کیفیت جدید در زندگی اهمیت دارد.

اجازه نفوذ آب به داخل زمین را می‌دهند و امکان رشد گیاهان در لابه‌لای این کفسازی‌ها وجود دارد. همچنین اعمال محدودیت عبور اتومبیل، استفاده از مصالح طبیعی مثل چوب و سنگ، استفاده از آب باران، جایگزین کردن کانال‌های آب قدیمی با حوضچه‌های سبز^{۱۸} و ابزارهایی از این دست در طراحی این محله به کار گرفته شده است (تصویر ۹). در این محله باغ‌ها و فضاهای سبز حصار ندارد و در نمای شهری قابل‌رؤیت است. یک شبکه سبز نیز در مقیاس کل محله تعریف شده است که به جنگلی که

طبیعت، امکان تولید غذا بر روی زمین‌های کوچک شهری را برای شهروندانی که از امکانات مالی مناسبی برخوردار نیستند فراهم می‌کند و همچنین اتحاد و همبستگی را از طریق تقویت روابط اجتماعی شهروندان در مقیاس این فضاها افزایش می‌دهد. در نتیجه مسئله طبیعت در شهر تنها یک مسئله رسمی و تزئینی نیست، بلکه با کیفیت زندگی در معنای اجتماعی آن و حساسیت‌های جدیدی که در فضاهای شهری وجود دارد مرتبط است.

نتیجه‌گیری | برای نتیجه‌گیری باید نکته‌ای را درباره عدالت و ارتباط آن با طبیعت در نظر داشت. طبیعت، خدماتی را در رابطه با کیفیت زندگی به ما ارائه می‌کند. این کیفیت زندگی دیگر به مالکان متمول که به باغ‌های شخصی و خانه‌های بزرگ دسترسی دارند منحصر نمی‌شود؛ بلکه به طبیعتی وابسته است که در هزاران مکان مختلف در شهر ریشه داشته و به گونه‌ای جدید در مقیاس شهری توزیع شده است. از نقطه نظر تغذیه، این

پی‌نوشت

- | | | | |
|---|---------------------------------|----------------------------|--|
| ۱۸. حوضچه‌هایی که کف آن‌ها با گیاه پوشیده شده و برخلاف کانال‌های سنتی که آب در آن‌ها جریان می‌یابد و به انتهای دیگر کانال منتقل می‌شود، اجازه نفوذ تدریجی به آب و بازگشت آن به چرخه طبیعی را می‌دهند. | ۱۲. les trames vertes et bleues | ۶. les équilibres globaux | ۱. Nathalie Blanc |
| | ۱۳. Guerilla Gardening | ۷. micros paysage | ۲. LADYSS |
| | ۱۴. quartiers durables | ۸. Île-de-France | ۳. Diderot ۷ l'Université Paris |
| | ۱۵. quartiers écologiques | ۹. micros milieux | ۴. Anthropocène |
| | ۱۶. Vauban | ۱۰. jardins partagés | ۵. la miasme، بیماری‌ای که از طبیعت راکد و فاسد ناشی می‌شود. |
| | ۱۷. Fribourg | ۱۱. jardins communautaires | |